

تفلسف مجازی

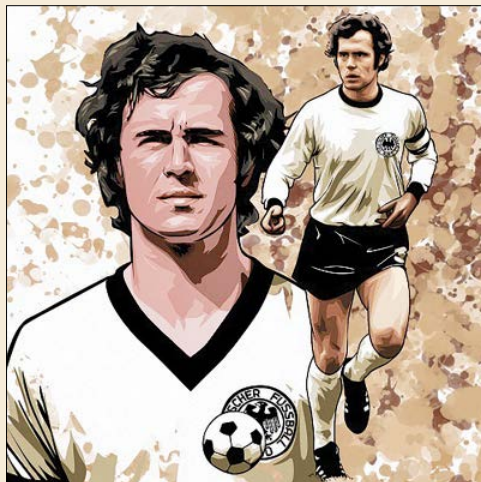
یکی از دوستان قدیمی چند وقت پیش مراد در حال تفلسف در یکی از کافه‌های جنوب شهردید و ضمن خبر گرفتن از احوالاتم پیشنهادی به من داد که اصلا بی‌شرمانه نبود. او گفت گاهی به جای پاسخگویی به سوالات، مروری داشته باش بر اخبار جراید، خبرگزاری‌ها، فضای مجازی و حومه، شاید بسیاری از ابهامات ذهن مخاطبان بی‌شمارت را در این زمینه برطرف کردی. من هم روی او را زمین نینداختم و امروز می‌خواهم با مرور برخی اخبار، گره‌های ذهنی شما را باز کنم.

دودشش

خبر بعدی درخصوص پیشنهاد یک کارشناس درباره راهکاری برای آلودگی هوای پایتخت بود. وی گفته بود: «یکی از راهکارهای حل این معضل طبق تکلیف قانونی، برقی‌سازی ناوگان حمل‌ونقل عمومی است. برقی‌سازی ناوگان باید در کنار بقیه راه‌حل‌های مقابله با چالش آلودگی هوا دنبال شود.»
برخی به دنبال خواندن این مطلب برای شان سؤال پیش آمده که مگر هنوز هم هوای تهران آلوده است؟
در پاسخ باید گفت خدا را شکر عدالت در روند پیگیری قانون هوای پاک به شکلی است که در فضایی کاملاً برابر، هیچ کدام از نهادهای مربوط دست به هیچ اقدام خاصی نزده‌اند. این میزان از هماهنگی در میان نهادها و سازمان‌های مختلف بی‌نظیر است و جای قدردانی دارد و خبرهای دقیقی هم به بنده رسیده که خوشبختانه بر اساس داده‌های شرکت کنترل کیفیت هوای تهران، کیفیت هوای این هفته پایتخت در اکثر مناطق در شرایط ناسالم برای گروه‌های حساس قرار دارد. پس شما اگر الکی روی هر چیزی حساس نشوید، هوا برای تان سالم است. راه حل همین حساس نبودن است. این هم که مدارس را مجدداً تعطیل نمی‌کنند برای این است که زندگی در شرایط سخت را یاد بگیرید و خب اصلاً خود ما هم بارها گفته‌ایم که دانش‌آموزان وسایل دودزا نیستند که با تعطیلی مدارس از آلودگی هوا کم شود.



خبر مرگ ۲ نفر



اولین خبر مربوط است به مرگ یکی از دوستان آلمانی‌ام، یعنی فرانتس بکن باوئر که از مربیان و فوتبالیست‌های با سابقه جهان بود. کسی که برخی رسانه‌ها او را قیصر فوتبال آلمان معرفی کردند اما خب سؤال خیلی‌ها این بوده که ایشان این اواخر کجا مشغول بوده و حالا بعد از رفتن چه تصمیمی برای جایگاه ایشان در کسوت مربیگری خواهند گرفت.
خب در پاسخ باید بگویم گرچه او در تیم‌های بزرگی مثل بایرن مونیخ و تیم ملی آلمان مربیگری کرده بود ولی این اواخر مدیر ورزشی باشگاه مارتسی بود که خب وقتی مریض احوال شد، مثل کشورهای پیشرفته و صاحب فوتبال، مدیران این تیم سریعاً با کارشناس بزرگ کشورشان یعنی داگلاس مایلی کهن، مشورت کردند که خدای ناکرده کسی را که او دوست ندارد، جایگزین نکنند. البته اولش حواس‌شان نبود و می‌خواستند یکی از مربیان قدیم مارتسی را به تیم برگردانند که با درایت داگلاس مایلی کهن، جلوی این کار گرفته شد. او در اظهاراتش گفته بود: «مایلی کهن: غلط می‌کنند رودی گارسیا را برگردانند! فرانتس بکن باوئر اگر واقعا می‌خواهد از مارتسی برود، برود/ مگر رودی گارسیا تخم دوزده می‌کند؟» خلاصه خیال‌تان راحت وقتی این اندیشمندان عرصه فوتبال در کشور فرانسه هستند، کسی کار بدی نخواهد کرد و روز به روز فوتبال فرانسه رشد می‌کند و حتی تیم ملی‌اش ممکن است راحت برود به جام جهانی و مثلاً با تیم‌های آمریکا و انگلیس و ولز هم‌گروه شود و دست‌از پا درازتر هم برگردد. خبر دوم هم درباره مرگ یک بازیگر معروف است که اتفاقاً او هم آلمانی بود. بله این تیتیر خیلی‌ها را آزار داد: «مرگ بازیگر هشدار برای کبرا ۱۱». خب دلدادگان اردوگان اتالای، ابتدا فکر کردند که سمیرجان دچار آسیب شده و مراتب تسلیت و ناراحتی‌شان را در فضای مجازی اعلام کردند. برای خیلی نوجوان‌ها زندگی تقریباً به آخر رسیده بود و سؤال‌شان این بود که واقعا بدون سمیر باید چه کرد؟ در پاسخ به این ابهام ذهنی دوستان بنده، کشف کردم خبر مرگ برای فرد دیگری بوده و این کریستین الیور، بازیگر دیگر سریال هشدار برای کبرا ۱۱ بوده که جان‌ش را در سانحه هوایی از دست داده.
البته من در ادامه شنیدن این خبر به همه کبراهای ۱، ۲، ۳ و ۱۱ و بیشتر آلمان هشدار دادم که بد نیست هواپیماهای‌شان را قبل از پرواز چک کنند. حیث نیست در طول چند سال بیش از ۶۰ سانحه هوایی را تجربه کنید و کلی کشته بدهید؟! که آنها هم خیلی فوری جواب مرا دادند و گفتند: «سلام. بله حیث است.» و خب من با خبرم از تصمیمات بسیار فکروانه مسئولان‌شان که به این نتیجه رسیده‌اند برای این‌که هنرمندان، اندیشمندان و مسئولان کمتری را در حوادث هوایی از دست بدهند، آنها را با قطار یا اتوبوس جابه‌جا کنند!

گل یا پوچ



خبر بعدی کمی تلخ بود در مورد حادثه‌ای در یک کافه در تهران. اطلاعات به دست آمده نشان می‌داد پسر جوان با یک نفر قرار داشته که در واقع هیچ وقت اسمش سمیه نبوده است. گرچه او فکر می‌کرده اسمش همین است و خب سؤال خیلی‌ها این است که چه شد حادثه تلخ در این کافه رخ داد و ما باید برای قرار و مدارهای مان چه کنیم که تهنش نمیریم! در پاسخ باید عرض کنم اساساً چون نمی‌توانید از هیجان قرار گذاشتن با آدم‌های ناشناس دست بردارید و هر قدر هم ما بگوییم این کار بعد از سقوط آزاد از بالای یک دره بدون چتر نجات، احمقانه‌ترین کار دنیاست، باز هم شما از آن دست نمی‌کشید؛ توصیه‌های ایمنی را در این مورد برای تان ارائه می‌کنم تا لااقل زنده بمانید. قرار بگذارید ولی سر قرار نروید. قرار بگذارید ولی وقتی مثلاً به کافه رسیدید اول یکی دیگر را بفرستید برود جلو و اگر زنده ماند بعد خودتان بروید. شوکر، پنجه بوکس، چاقوی ضامن دار، بمب هیدروژنی، رفیق ناباب، زنجیر چرخ و هر چه وسایل ایمنی دیگر می‌توانید با خودتان ببرید.
اگر دیدید سمیه در واقع اذدر است خیلی به او اصرار نکنید و الکی نگویید سمیه نرو! بگذارید برود. اصلاً با هیچ سمیه‌ای قرار نگذارید. (البته دخترها دارند می‌پرسند که ما هم با فرهاد که ۲۰ سالش نیست چه باید بکنیم که دیگر جای هیچ توصیه‌ای باقی نمی‌ماند جز توصیه آخرم: قرار با ناشناس ممنوع!)

سند کمپانی خودرو سواری پژو 206SDTU5 مدل ۱۳۹۴ به رنگ سفید روغنی شماره انتظامی ایران ۶۷-۱۷۵-۶۵ شماره موتور 163B0180744 شماره شاسی NAAP41FE8FJ275204 به مالکیت فرهاد بزرگ علی آبادی مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

سند و فاکتور فروش ام. وی. ام X55 PRO مدل ۱۴۰۲ به شماره موتور MVME4T15CCQP006347 شماره شاسی NATGBAEJ8P1011548 شماره انتظامی ۹۱-۹۳۳-۳۱۵ به نام سهیلا رحیمی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

سندکارخانه (کمپانی) و برگ سبز سواری سایپا هاج بک مدل ۹۹ به شماره پلاک ۸۴-۸۶۳۳۲۲ و شماره شاسی NAS841100L1064612 و شماره موتور M15/8957202 به نام تازنین زمانی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

سند کمپانی خودرو پژو PARS XU7 خاکستری-آبی-متالیک مدل ۱۳۹۳ به شماره پلاک ۹۹ ایران ۸۷۱ ی ۲۱ با شماره شاسی NAAN01CA5EK858011 و شماره موتور 124K0520763 به نام حمیدرضا مرادی آوز زمانی مفقود شده و فاقد اعتبار می‌باشد.

برگ سبز سواری تیبا ۲۸ هاج بک رنگ سفید روغنی به شماره پلاک ۲۰ ایران ۲۲۶ ب ۲۸ با شماره موتور M15/8649546 شماره شاسی NAS821100J1182510 به نام زهرا لشجوده مفقود شده و فاقد اعتبار می‌باشد.

امور آگهی‌های روزنامه جام جم
شماره تلفن پذیرش
۴۹۱۰۵۰۰۰۰